

عنوان مقاله:

مطالعه موردی نگاره های داستان ضحاک و سیاوش (بر اساس نظریه «دستور خوانش تصاویر» کرس و ون لیوون)

محل انتشار:

پژوهش های زبانی، دوره 9، شماره 1 (سال: 1397)

تعداد صفحات اصل مقاله: 20

نویسندگان:

لادن جواهری - دانشجوی کارشناسی ارشد زبان شناسی همگانی، دانشگاه رازی

عامر قیطوری - دانشیار زبان شناسی دانشگاه رازی،

کوروش صابری - استادیار زبان شناسی دانشگاه رازی

خلاصه مقاله:

نظریه «دستور خوانش تصاویر» [1]، در حوزه نشانه‌شناسی اجتماعی قرار گرفته و در رمزگشایی نشانه‌های تصویری به کار می‌رود. کرس و ون لیوون (۲۰۰۶)، با الهام از سه فرانش معنایی هلیدی، ساختاری مشابه را برای خوانش معانی نشانه‌های تصویری ابداع نموده و قائل به وجود سه معنای «بازنمودی»، «تعاملی» و «ترکیبی» در تصاویر هستند. هدف از انجام این پژوهش یافتن پاسخی مناسب به این پرسش‌ها است. آیا این نظریه در رمزگشایی معانی بازنمودی، تعاملی و ترکیبی، در نگاره‌ها موفق است؟ میزان توانایی این نظریه در یافتن الگوهای غالب دستوری و نشانه‌شناختی در نگاره‌ها تا چه حد است؟ و آیا این رویکرد قادر خواهد بود الگوهای بیابد که در شکل‌دهی سبک خاص نگاره‌ها نقش دارند؟ این تحقیق، بر روی دو نگاره منتخب از میان بیست و سه نگاره صورت گرفته است. این نگاره‌ها، بر اساس روایات «ضحاک» و «سیاوش»، برگرفته از شاهنامه شاه طهماسبی مصور گردیده و اثر سلطان محمد نگارگرند. روش انجام پژوهش تحلیلی بوده و مشتمل بر سه بخش است. نخست، مبانی نظری رویکرد «دستورخوانش تصاویر» بررسی شده است؛ سپس، موارد صدق مولفه‌های این رویکرد در نگاره‌ها واکاوی شده و در پایان، موارد متناقض با این نظریه در نگاره‌ها و علل وجود تباین‌های موجود را بررسی کرده‌ایم. نتایج حاصله گویای آن است که برخلاف نسخ متنی این روایات، نوعی حذف و تبعیض جنسیتی در ساختار نگاره‌ها مشهود بوده و نگارگر از به کار گرفتن مولفه‌هایی چون پرسپکتیو و وجه‌نمایی می‌پرهیزد. همچنین، ساختار پلکانی در نگاره «ضحاک» موید وجود فواصل طبقاتی در جوامعی است که روایات برخاسته از آنانند. [1]. The Grammar of Reading Images

کلمات کلیدی:

نگاره، شاهنامه، دستور خوانش تصاویر، ضحاک، سیاوش

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1213759>

